

در حاشیه قیمت‌های سربه‌فلک‌کشیده در شب یلدا



همکاران پردردسرد
مدیریت خانه

گيركتق / صفحه ۷

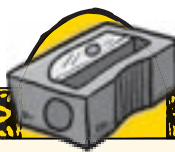
روزنوشت‌های یک مسئول بهینه‌سازی

میشہ ایجوکیشن / صفحہ ۲

از فولیکول تا فوتبال!



سعید تاشیری



سرکن

فیلم هندی یلدا و چله!

- سلام چله!
- سلام یلدا!
- می گم چله! می دوستی که من طولانی ترین شب سال هستم؟! چیه می زنی یلدا؟! بلندترین شب سال که منم! تا حالا شب چله نشنیدی؟!!
- گرفتی ما رو چله؟! دیگه آهنگ «آخ! تو شب یلدای منی...» رو این قدر پخش کردن که مردم وقتی می شنون، خون بالامی آرن! بعد تو چه جواری هنوز نمی دونی یلدا یعنی طولانی ترین شب سال؟!!
- فازت چیه یلدا؟! زنگ بزن به خسرو معتضد تا دو ساعت یه کله درباره تاریخچه شب چله برات حرف بزنه که بفهمی بلندترین شب سال منم!
- چله خل و چل! لغت نامه دهخدا رو باز کن تا ببینی آخرین شب پاییز و اولین شب زمستون که طولانی ترین شب ساله رو می گن شب یلدا!
- مگه تو اولین شب زمستونی یلدا؟!!
- پ ن پ! لابد تو اولین شب زمستونی چله؟!!
- خب آره! من اون شبم یلدا!
- مگه داریم چله؟! نکته تو طولانی ترین شب سال ساخت چین هستی که از روی من کی برداری شدی!
- شاید تو جعل شده من هستی یلدا! که کشورای همسایه به نام خودشون در یونسکو ثبت کردن!
- بگو ببینم ننه بابات کی هستن چله؟!!
- پاییزخان و زمستون خانوم، یلدا!
- اینا که پدر و مادر من هستن چله!
- (پخش آهنگ هندی بی کلام)!
- یعنی ما خواهر و برادریم یلدا؟!!
- چون آهنگ هندی پخش شد، قطعاً ما یک نسبتی با هم داریم و تو ی بچگی از هم جدا شدیم، یلدا! هم که اسم دختره ست، پس من خواهر تو هستم، ولی جنسیت تو دقیق مشخص نیست. ولی چون اغلب اسمای چیرچلاق رو به پسرا نسبت می دن، احتمالش هست که همون خواهر و برادر باشیم!
- خب حالا که خواهر و برادر شدیم، چی کار کنیم یلدا؟!!
- هیچی داداش! مثل هرسال بریم که با قیمت آجیل و میوه و شیرینی، مردم رو سرویس کنیم!
- برو که بریم خواهر!

صفحه ۲
۲۹ آذر ۱۴۰۴
شماره ۱۵۹



مشه ای جور بهر؟!!

خسرو آبادیان

از فولیکول تا فوتبال!



هفته قبل: سرمربی پرسپولیس گفت: «اگر به گذشته برمی گشتم، قطعاً پیش از امضای قرارداد یک بند ویژه بابت هر تار موی سفیدی که روی سرم سبز می شود، به آن اضافه می کردم!»

کمی بعد: قرارداد بین باشگاه پرسپولیس و اوسمار تمدید شد. مدیریت باشگاه پرسپولیس گفت: درباره بندهای قرارداد جدید هیچ اطلاعاتی نمی تونم بهتون بدم. فقط همین رو بگم که قرارداد تویی باهاش بستیم و از لحاظ حقوقی هیچ مشکلی پیش نخواهد آمد!

کمی بعد تر: فیفا اعلام کرد طبق قرارداد اوسمار، چون در طول یک سال قرارداد، او از مرز پنجاه سالگی عبور کرده و به پنجاه و یک سالگی رسیده، باشگاه پرسپولیس موظف است به دلیل «یک سال افزایش سن مربی»، جریمه ای معادل مبلغ ۲۰ درصد قرارداد را به او بپردازد.

کمی بعد تر تر: با وجود اینکه اوسمار در چند بازی اخیرش باخت داشته است، مبلغی بیش از قراردادش دریافت خواهد کرد. زیرا پس از هر باخت، ۴ درصد به کل مبلغ دریافتی اوسمار افزوده خواهد شد. چرا؟ چون استرس ناشی از شکست، مستقیم فولیکول های مو را هدف قرار می دهد! همچنین یک تبصره وجود دارد که: اگر باخت با اختلاف بیش از سه گل باشد، این رقم به ۵ درصد افزایش می یابد. زیرا شوک عصبی حاصل از چنین شکست سنگینی، عامل قطعی سفید شدن چند تار مو به صورت هم زمان است!

کمی بعد تر تر تر: مشخص شده است که یک بند به نام «واترپلو در چمن» در قرارداد وجود داشته است. طبق این بند: با توجه به کیفیت زمین های فوتبال، اگر به دلیل آب گرفتگی، سرمربی مجبور شود برای هدایت تیم کفش های گران قیمت خود را درآورد یا پاچه های شلوارش را بالا بزند، باشگاه موظف است علاوه بر پرداخت هزینه خشک شویی، مبلغ ۴۰ درصد قرارداد را به عنوان «غرامت تحقیر پرستیز مربیگری در سطح جهانی» به وی بپردازد.

کمی بعد تر تر تر تر: اوسمار تصمیم گرفت از ایران برود. باشگاه پرسپولیس اعلام کرد هیچ بدهی ای به این مربی ندارد، اما فیفا اعلام کرد طبق قرارداد، باشگاه موظف است غرامتی هنگفت به او بپردازد. دلیل؟ اوسمار در ایران به تحمیل هر شرطی که دلش می خواهد عادت کرده است و در هیچ کجای دنیا چنین آپشن هایی به یک مربی تعلق نمی گیرد. لذا وی می تواند به خاطر همین بند قراردادش، غرامت دریافت کند.

کمی بعد تر تر تر تر تر: یکی از نوه نبیره های فتحعلی خان قاجار با حضور در دفتر مدیریت پرسپولیس گفت: شما با این قراردادی که بستین، روی پدر بزرگ من که عهد نامه ترکمنچای رو امضا کرد، سفید کردین. دمتونم گرم.

کنج تو کنج

منصوره احمدی

دیدار رئیس مجلس شورای اسلامی با رئیس مجلس نمایندگان اتیوپی در تهران



به دو دقیقه تا اسنپ می آد دنبالتون، همین جا تشریف داشته باشین. این مرغدارای ما او مدتی جلوی مجلس نماز میت خوندن، ختم گرفتن برای مرغداری کشور، روم سپاه به خدا! تا چشمشون به چارتا مهمون می افتد، آبروریزی راه می ندازن.

مورد داشتیم پریروز توی فرانسه کشور را به ساختمان دولتی مدفوع پاشی می کردن. اینا که چیزی نیست قریونت برم. حرص نخور پوست خراب می شه.

نشست بررسی راهکارهای تحقق انسجام ملی و چگونگی عبور از چالش ها



هی! یادش به خیر! یه زمانی حلیم می دادن توی جلسات! می گم با این دستور ممنوعیت سرو میوه و شیرینی توی جلسات اداری، اینا دیگه چیه گذاشتن جلومون؟

لاید «جو» بی چیزیه! مجازه دیگه. بخور چی کار داری چیه؟

ماکت های تست در افتتاح مرکز آزمون تصادف و ایمنی



این محصول ایران خودرو سایپاست ها. سوار آلودی نشدی که این قدر راحت نشست روت تست کنن. دکمه ایچکتش کو؟!!

گرفتی ما رو؟ همین لگن رو به جای اینکه به میلیارد و خرده ای بکنن توی پاجه ملت، بکوبن توی دیفال؟!!

وزیر کشاورزی در جمع خبرنگاران



فرمودین اصلاح قیمت سوخت تأثیری روی قیمت کالاهای اساسی نداره. چطور ممکنه قربان؟

با تدبیر همکاری ما در وزارت جهاد کالاهای اساسی این قدر توی ماه های گذشته توی چندین و چند مرحله اصلاح قیمت داشته که بچمدا... دیگه این یکی دو تومن بنزین به هیچ جاشون نیست!

پلوی جو

چه آسان می نمود اول غم دریا به بوی سود
غلط کردم که این طوفان به صدگوهر نمی ارزد
تورا آن به که روی خود ز مشتاقان پیوشانی
که شادی جهانگیری، غم لشکر نمی ارزد
چو حافظ در قناعت کوش و از دنیای دون بگذر
که یک جو منت دونان دو صد من زر نمی ارزد

در بیت اول جناب حافظ اشاره دارد به باران های سیل آسای جنوب و جنوب غرب کشور و می فرماید: آقا، غلط کردیم. نم کشیدیم. همون خشک سالی بهتر بود! سخنگوی محترم دولت تازه الان که دلار به این قیمت رسیده و تورم تا اینجا، فرمودن ما برای مشکلات راه حل داریم! در این بیت، لسان غیب به ایشان جواب دادن که شما بهتره کلا حرف نزن و نیای جلو چشم مردم؛ واسه سلامتی ت بهتره! (درضمن، در مصرع دوم نام خانم شادی جهانگیری اومده که اطلاعی ازشون در دست نیست و معلوم نیست نسبتی با اسحاق جهانگیری دارن یا نه!) در بیت سوم هم حضرت حافظ مثل همون کارشناس صداوسیما توصیه می کنه این قدر حرص و جوش مال دنیا رو نزن. برنج گرون شده، پلوی جو بخورین! ماست گرون شده، دوغ بخورین! نون گرون شد، کوفت بخورین و...



در حاشیه صحبت های خیابانی درباره فوتبال ناپاک



صفحه ۲
۴۹ آذر ۱۴۰۴
شماره ۱۵۹



اون ته صف چه خبره؟

محصول لبنی در راه است. کاش می گفتید این اصلاح قیمت که در راه است، کی راه افتاده است؟ راه را بلد است؟ مطمئنید اشتباهی نمی رود یک کشور دیگر که قیمت سرشیر و ماست کم چرب آنجا را اصلاح کند؟ اصلا کی از راه می رسد؟ کاش می گفتید هر وقت از راه رسید، زنگ بزن تا آن چهار محصول لبنی حساب کار دستشان بیاید و پایین بکشند!

پاسخگوترین وزیر هفته: وزیر آموزش و پرورش گفت: «کاروزیر ساختن مدرسه نیست، اما ۹۹ درصد وقتم گرفته می شود که جواب بدهم چرا مدارس کانکسی و سنگی داریم.» جواب ندهید آقای وزیر! چون با خودشان فکر نکردند وزیری که بعد از سه ماه وعده، هنوز در توزیع یک شیر پاکتی آبکی کوچک مانده، چطور می تواند مدرسه بسازد؟

قاطع ترین برخورد هفته: سخنگوی مجلس گفت: «به زودی مسئولان اقتصادی رابه صف می کنیم.» ممنونیم! فقط بعدش چه؟ به خطشان می کنید و توی دهان تک تکشان فلفل می ریزید تا دیگر حرف از گران شدن نزنند؟ شاید جریمه شان می کنید که روی یک پا بایستند تا کاملا مواظب قیمت ها باشند! یا شاید هم می گویند صد بار بنویسند: «ما دیگر گران نمی کنیم.»

توراهی ترین وزیر هفته: درحالی که تعداد زیادی از اقلام لبنی، دو یا سه بار در هفته پرواز قیمتی داشتند، وزیر کشاورزی گفت اصلاح قیمت چهار

عضو شورای شهر تهران: بعضی شهرداران، در «منگنه زن» هم نیستند (خبرآنلاین)

تنها نه فقط ما که خودت می دانی
هر کس نبود لایق هر عنوانی
در منگنه هستیم به قدر کافی
پس «منگنه زن» برای چه زاکانی؟

کور تانیزه، کشتی گیر گرجستانی، به حبس محکوم شد (تابناک)

تقاضی دادگاه دادش اخطار
یک باره به جرم خویشتن کرد اقرار
آن کس که «دوبنده» دائما می پوشید
دید که به «بند» رفت در آخر کار

اوسمار، باید بندی در قرار داد برای زیدش موهای سفیدم اضافه می کنم (ایستا)

چه موهایی به تو داده ست ایزد!
هر آن کس که تو را ببند گریزد!
سفیدی های مو عیبی ندارد
دعا کن تا که در بازی نریزد!

داروی جدید کاهش وزن که مانند «قرص ووزش» عمل می کند ساخته شد (خبرفوری)

چرا خواهی که باشی استخوانی؟
چرا خرجش کنی پول کلانی؟
برای لاغری و کاهش وزن
چه قرصی بهتر از قرص گرانی؟

روزنوشت‌های یک مسئول بهینه‌سازی



۱ بچه‌ها شنیدین که پذیرایی غیرضروری توی جلسات ممنوع شده؟

۲ جان من؟ پس با چه انگیزه‌ای جلسه بذاریم؟

۳ خودت داری می‌گی غیرضروری! دیگه دوتا دونه موز که واسه درست تصمیم گرفتن مათوی جلسه ضروریه!

دستگاه‌های دولتی و ضرورت پرهیز از پذیرایی‌های غیرضروری در همایش‌ها و جلسات اداری مانند سرو میوه، شیرینی، شام و ناهار. با این مقدمه، روزنوشت‌های یک مسئول بهینه‌سازی ادارات را بخوانیم تا ببینیم دیگر چه مواردی را در نظر گرفته‌اند.

معاون اجرایی رئیس‌جمهور با ابلاغ «بخشنامه بهینه‌سازی مصرف آب و انرژی» به دستگاه‌های اجرایی، مواردی را اعلام کرد. این موارد عبارت‌اند از: ممنوعیت آبیاری چمن در همه فضاها، سبز متعلق به دستگاه‌های دولتی، پرداخت بموقع قبوض مصرفی آب و انرژی

شیرینی خیلی خشک

اصلا کار در این مملکت بدون برگزاری همایش و جلسه و پذیرایی نمی‌شود. ولی بنابه فرموده آقای معاون، برای بهینه‌سازی، همه جلسات ناهار در ادارات راکنسل کردیم. در عوض قرار شد بعد از وقت اداری، جلسه شام برگزار کنیم. ولی بخشنامه کردیم برای بهینه‌سازی مصرف، حتماً از نان جو استفاده شود. برای پذیرایی هم به جای شیرینی تر، بیسکویت ساقه طلایی سفارش دادیم تا نیازی به مصرف آب نباشد. از میوه‌های کم‌آب دار مثل سبزه‌جود هم استفاده کردیم تا خدای نکرده به خزانه فشار نیاید.

چمن مصنوعی

آقای معاون دستور دادند که آبیاری چمن‌ها ممنوع است. چند روزی که آب ندادیم، چمن‌ها زرد شدند. دیدیم خیلی زشت است که چمن هر اداره‌ای مثل ورزشگاه محل برگزاری شهرآورد پایتخت شده است. مجبور شدیم چمن مصنوعی بخریم تا بد چشمی نکنند. ولی برای اینکه فشاری به خزانه دولت نیاید، از هر مراجعه‌کننده به هر اداره‌ای، یک حق چمن خواهیم گرفت. با همین فرمول، قبض‌های ادارات دولتی را هم بین ارباب رجوع‌ها سرشکن کردیم.

کارانه هیزم

چون پیش‌بینی می‌شود زمستان سختی در پیش خواهیم داشت، بنا به صلاح‌دید آقای رئیس، بخشنامه‌ای صادر کردیم برای پرداخت پاداش به کارمندی که با خودش تیر و تخته بیاورد؛ به این صورت که به ازای هر کیلو چوب و هیزم برای سوزاندن در پیت‌های جلو پا و زیر میزشان، کارانه دریافت کنند. البته قرار شد برای تهیه مطبوع و خروج دود از ادارات هم فکری اندیشیده شود تا هنگام قطعی برق و اینترنت، از آن دود به عنوان خبررسان بومی استفاده کنیم. به هر حال ظاهراً بواطن امیدواریم این اندک تلاش ما برای بهینه‌سازی انرژی در ادارات دولتی سرمشقی شود برای مردم و بخش‌های دیگر مملکت.

گرمایش با گونی

یکی از مسائل مهم در ادارات، مصرف آب و برق است. حالا از عهده مصرف ارباب رجوع برمی‌آییم، چون در قبض‌های صادرشده مبلغش را از خودشان می‌گیریم. ولی برای مصرف آب کارمندان خودمان تصمیم بر این شد که هر کارمند یک دبه آب بیاورد. همچنین اگر هر کارمند یک بادبزنی حصیری داشته باشد، نیازی به روشن کردن کولر در تابستان نیست. همچنین به هر نفر سهمیه یک کیسه گونی هم دادیم تا در زمستان دور خودش پیچد و به جای آن گرمایش مرکزی ادارات را خاموش کردیم تا بهینه شود. البته شنیده شد که برخی کارمندان ابراز نارضایتی کردند. برای همین درخواست تخصیص ردیف بودجه «تأمین حرارت و برودت کارمندان دولت» را هم دادیم.

صفحه ۴
۲۹ آذر ۱۴۰۴
شماره ۱۵۹



روشن بمانید

شاعر می‌گوید یاد بعضی نفرات، روشنم می‌دارد! پس «روشنی» و «یاد نفرات خوب زندگی» رابطه محکمی دارند. هم وطن، چراغ اتاقی که کسی در آن نیست، نماد حضور معنوی اوست. خاموش کردن، بی‌احترامی به یاد اوست.

خوش بین باشید

آب مایه حیات است. این را که دیگر قبول دارید؟! پس بی‌خیال چکه چکه کردن شیر آب شوید. بگذارید حیات در زندگی جاری باشد. بستان آن، نوعی قطع امید از آینده تلقی می‌شود.

سخوا و تمند باشید

از قدیم به خسیس‌ها می‌گفتند ناخن خشک؛ یعنی کسی که ناخنش خشک است و آب از دستش نمی‌چکد. پس وقتی مسواک می‌زنید یا ظرف‌ها را می‌شوید، شیر آب را باز نگذارید. ناخن‌تان خشک بشود، جواب مردم را چی می‌دهید؟!

راهنمای جامع استفاده حداکثری از منابع محدود



فرهنگ شهروندی
فرزانه زینلی

وزیر جهاد کشاورزی در پاسخ به سؤالی درباره قیمت محصولات در شب یلدا اعلام کرد قیمت‌ها به وجدان و انصاف فروشنندگان بستگی دارد. تلاش‌های مابرای تماس با آقای وزیر بی‌نتیجه ماند. برای همین با یک مسئول دیگر درباره اقدامات دولت برای مهار قیمت‌ها گفت و گو کردیم که در ادامه پاسخ‌های این بزرگوار را می‌خوانند.

همان طور که آقای وزیر فرمودند، بهترین راه مهار قیمت ها، وجدان فروشنده هاست. به این صورت که هر مشتری باید هنگام خرید هر جنسی، این جمله را بگوید: «انصافا، وجدانا، اگر راه داره ارزون تر بده که ببرم.» این روش یک راهکار مکمل هم دارد که به «قدرت چانه زنی از بالا و پایین» معروف است. در این روش، اگر فروشنده وجدان درستی نداشت، خریدار باید تا جایی که توان دارد، چانه بزند. با این روش می توان کمی تا قسمتی قیمت ها را کنترل کرد.



البته وظیفه خریدار فقط به چانه زدن ختم نمی شود. بهترین و کارآمدترین روش مهار قیمت ها، قدرت خرید مشتری است. به زبان ساده، یعنی هرچه مشتری پول دارتر باشد، بهتر می تواند با قیمت ها کنار بیاید. شاید عده ای بگویند اینکه بدهی است و ربطی به مسئولان ندارد. درست است، ولی مگر همه ما در یک کشتی نیستیم؟ اگر ما نتوانیم قیمت ها را ارزان کنیم، این وظیفه شماست که جنس گران را نخرید. البته اگر خریداران محترم نابینا و ناشنوا باشند و متوجه قیمت ها نشوند هم تأثیر زیادی بر حل مشکل خریدشان می گذارد.

یک راهکار دیگر برای مهار قیمت‌ها که در سال‌های قبل هم امتحانش را پس داده، این است که نمودار قیمت‌ها را اصلاح کنیم. به عنوان مثال، وقتی قیمت لبنیات را روی نمودار می‌بریم، ممکن است خدای نکرده، گوش شیطان کر، چشم حسود کور، زبانشان لال... نمودار صعودی باشد. در این صورت، می‌توان با اصلاح نمودار و سرتو گرفتن آن، قیمت لبنیات و بقیه محصولات را نزولی کنیم.

یکی دیگر از روش های اصلاح قیمت ها که مقدمات آن هم انجام شده است و به زودی اجرایی خواهد شد، حذف صفر است. یعنی اگر گوشت ۱۰ میلیون ریال است، با کم کردن چهار تا صفر از پول ملی، می توان قیمت آن را به هزار تومان کاهش داد. کجای دنیا به این راحتی اجناس را از آن می کنند که ما می کنیم؟ نه خدا و کیلی، کجا؟ همچنین می توان از روشی که مدتی است مورد استفاده قرار گرفته هم کمک گرفت: تغییر واحد پول. یعنی به هزار میلیارد تومان بگوئیم همت، به میلیون میلیارد تومان بگوئیم ممت، به میلیارد میلیارد بگوئیم میل، میل و...

یک راه دیگر که همین الان به ذهنم رسید، تغییر مقیاس هاست. یعنی به جای تغییر واحد پول، اندازه اجناس را عوض کنیم. اجازه دهید مثال بزنم: مثلاً اگر قیمت یک کیلو برنج یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است، فروشگاه‌ها تابلو بزنند «برنج ۳۰۰ هزار تومان» با چند علامت تعجب مقابلش. بعد زیرش با فونت خیلی ریز بنویسند «۲۵ گرم». یا به جای شیر یک لیتری ۸۰ هزار تومانی، شیر را بدهند ۸۰ تاک تومانی، ولی بهای هر سی‌سی، یا به جای یک پیسترای ۴۰۰ هزار تومانی، یک قاشق را بفروشند ۵۰ هزار تومان تا خریدار حس بهتری داشته باشد. البته روش‌های دیگری هم برای مهار قیمت‌ها هست؛ مانند خرید جنس دست دوم، اجاره کردن به جای خرید و... که در این مقال نم‌گنجد.



از قدیم گفته اند عقل مردم به چشمشان است. خوششان می آید شبیه اسکیموها لایه لایه لباس بپوشند؟ سبازان کم زیاد است که ابالباس اضافی می خواهید بیشتر هم ننشانید بدید؟! اصلا همین لباس زیباست نشان آدمیت! اگر سردتان شد، درجه شوفاژ را بیشتر کنید.

آب همیشه از آسمان می‌آید، برق از پریز؛ گاز از دیوار، فکرکردن به منشأ آن‌ها فقط باعث اضطراب بی‌مورد می‌شود. اصلاً از قدیم گفته‌اند... چیز... خیلی حرف زده‌اند کلاً! خلاصه مطلب اینکه آینده را به آیندگان بسپارید. منابع طبیعی برای امروز ساخته شده‌اند، نه فردا. آیندگان خودشان راهی پیدا می‌کنند؛ همان‌طور که ما کردیم. مگر نه؟



مدیر نجومی بگیر در دولت نداریم

صفحه ۶

حساب ۳۰ میلیون
جوان با تراکم ۲۸.۲
همت مسدود شد
شبانه روزی مسئولان خالی تر
علیرضا نصریان
باید بندی در
قرارداد برای
ایجاد شدن موهایی
سفیدم اضافه
می کردم

عراقچی:
باید در نحوه همکاری با آژانس
تجدید نظر کنیم
چون دولت تخفیف ۵۰ درصدی برای آژانس داده است
وزیر دادگستری: پیراهن چهار
مهریه خانم من پنج سکه است، ولی خانه خودم را به
نامش کردم که خاطرهش جمع باشد
کسوی لباس هایم
رئیس دفتر رئیس جمهوری:
دولت مقصد تغییر هیچ وزیری ندارد
از سفر پیش از استوری های همسران حاضر

معاون رئیس جمهور:
جرائم رانندگی باید
صفرهای فیلی زیاد
آپاز دارنده باشد
تا خزانه فیلی خالی را پر کند
اضافه برداشت آب های
توسط کارگردانان سریال های تلویزیونی
زیرزمینی به ۱۶۰ میلیارد
در دقیقه
متر مکعب رسید

پیرا

در حاشیه رتبه ۱۳۹ ایران در سرعت جهانی اینترنت

۱ وزیر ارتباطات: سرعت اینترنتمون رتبه ۱۳۹ جهان رو در اختیار گرفته. یک پیشنهاد عملی بدین اوضاع بهتر شه.

۲ قیمت رو ببریم بالا.

۳ پهنای باند رو گرون کنیم.

۴ بریم رتبه آخر که رکورددار بشیم.

۵ شما دوتا راهکار عملی تون به درد نمی خوره.

۶ ببخشین.

۷ از این لحظه به بعد تلاش می کنیم بریم آخر.

صفحه ۶
۲۹ آذر ۱۴۰۴
شماره ۱۵۹



ناسوس

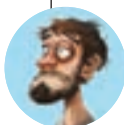
فرشته شایان

دکتر نفست از جای گرم بلند می شه؟
ما خودمون کمبود نهاده های دامی
مرگان داریم. چی چی رو یونجه و کاه
تجویز می کنی؟ اینا همین طوری
روزانه چارصد کالری کمتر از نیاز
بدن می خورن؛ ماقبل تست کردیم، با
حذف گوشت و مرغ و پروتئین ومیوه،
هیچی شون نشده. یه برنج هم روش.
نخورن، طوری نمی شه که. دفعه آخر
باشه بدون هماهنگی کسی جوخور
اضافه می ذاری روی دست ما!



وزیر جهاد

این دیگه ساده زیستی
نیست، رسماً دام پروریه! یه
زنگوله کم داریم فقط. والا
من جاجیدم به این وضع که
یه آیشن ساده تبدیل خوراک
ارزون به محصول گرون
(لبنیات) که همه چهارپایان
دارن رو هم نداره. نه روزی، تو
بگو ماهی، چار لیتر هم شیر
می دادیم، اندازه بارانه یک
ماه کمک خرجمون می شد.



شهروند

کارشناس صداوسیما: حالا که برنج گران است،
به جای آن مردم جو بخورند!
(صداوسیما)

ملت شریف ایران دقت کنن یه تفاوت ریزی که جو
با برنج در فرایند هضم داره، لزوم نشخوار بعدشه.
البته اگه هدف تنوع غذایی، بنده به عنوان پزشک،
یونجه رو پیشنهاد می کنم که از فیبر زیادی برخورداره.
اضافه کردن کاه، نهاده های دامی، تفاله نیشکر و تفاله
چغندر هم به دلیل ارزش غذایی زیاد در آخور، ببخشین
سفره خانوار، توصیه می شه.



دکتر بزی

صفحه‌ای که سرویس شد!

کالاها و دریافت نرخ جدید. ولی «سرویس کا» هیچ کدام از این کارها را بلد نبود و ادعای سرویس کاری می‌کرد.

۲. «سرویس کا» از سرویس‌های اشتباهی که کرده و رفته و شده و زده و داده، پشیمان بود و راه جبران آن را تعطیل کردن سرویس کاری دید. چون خودروهای ایرانی را سرویس می‌کرد، ولی هوا را آلوده می‌کرد، ترافیک ایجاد می‌کرد و حتی مرغ را گران می‌کرد! (ترافیک باعث می‌شد خودروهای حمل مرغ دیرتر به میدان بار برسند و قیمت مرغ بالا می‌رفت!) سرویس کا اینترنت را خوب سرویس دهی نمی‌کرد، و گرنه پشه‌پهنای باند مان که خیلی خوب بود. بانک‌ها را که نگران پول پرستی و دنیاگرایی مردم بودند و دیرتر [هم] وام [ن] می‌دادند و مسئولیت خطیر نگهداری از پول، این چرک کف دست را به کله‌کنده‌ها واگذار می‌کردند، سرویس می‌کرد، ولی معوقات بانکی افزایش پیدا می‌کرد، ارزش پول ملی کاسته می‌شد و... خلاصه سرتان را درد نیاورم. حقوق‌های عقب افتاده باز نشسته‌گان، آتش گرفتن جنگل‌های هیرکانی و ناترازی بنزین و آب و برق و گاز و همه و همه تقصیر سرویس کار نابلدی به نام «سرویس کا» بود و به همین علت تا سرویس کامل نشده، تصمیم گرفت صفحه را ببندد. دهان منتقدان را که نتوانست! (پایان)

سرویس - کا (با هفت کا فالوئر فیک احتمالا) صفحه اجتماعی سرویس کاری بود که خراب کاری بقیه را روایت می‌کرد، ولی به دستور مقام قضایی که نه، بلکه به صورت اختیاری و به دلیل عذاب وجدان دی‌اکتیو شد.

چون: ۱. سرویس چند نوع است: یا برای عروس، سرویس طلا یا چینی «می‌خرند» (البته قبلا! الان اجاره می‌کنند!) یا در والیبال سرویس «می‌زنند» (البته بیشتر به تور تا حساب کار دست مربی و مدیر که مثل خیابانی جامعه‌شناسی بلد نیستند، بیاید و به مدل مو و صفحه اجتماعی ورزشکاران گیر ندهند.) یا به عنوان شغل دوم، سرویس اسنپ «می‌شوند» (تا با این تورم، بیش از این سرویس نشوند.) یا دهان مفسدان و متخلفان را سرویس «می‌کنند» (اگر زورشان برسد، و گرنه می‌شوند.) یا در رستوران سرویس «می‌دهند» (و بیشتر از آن حق سرویس دریافت می‌کنند.) یا سرویس اینترنت را «می‌دهند» (از نوع کی داده، کی گرفته؟! یا سرویس دست شویی را «می‌روند» (بیشتر از نوع عمومی تارضایت همه جلب شود. مسئولان از عکس افتتاحیه، مردم از سنگ توالی و دزدی از شیرآلات آن استفاده می‌کنند.) و گاهی هم ماشین و لوازم خانگی و... را سرویس «می‌کنند» (سرویس مجدد لیست قیمت پس از انبار کردن



ایجو، مگفتن

مهدی محمدی

رئیس پژوهشگاه آموزش و پرورش:

کاهش معدل دانش آموزان، نشانه افت تحصیلی نیست.

(ایرنا)

خودروساز داخلی:
تولید یک خودرو ثابت در چهل سال پیاپی، نشانه تنفر ما از خلاقیت و نوآوری نیست.

ترامپ:
علاقه من به جایزه صلح نوبل، نشانه علاقه منند بودنم به شنیدن جمله بعدا بیا جایزه تو از دفتر بگیر نیست.

سخنگوی دولت:
گران شدن بنزین پس از اینکه گفتم دولت هیچ برنامه‌ای برای گران کردن بنزین ندارد، نشانه کلاتوی باغ نبودن من نیست.

ادمین گروه فامیلی:
فوروارد کردن روزانه صدها پیام و استیکر صبح به خیر و ظهر به خیر و شب به خیر، نشانه بیکاری من نیست.

یک مهمان یلدایی:
همراه داشتن انبردست و چکش در جیب، نشانه قصد من برای شکستن پیسته دربسته میزبان نیست.

همکاران پر در سر در مدیریت خانه

ما اعضای خانه بعد از سال ها پژوهش میدانی (نگاه کردن به کارهای خانه و گوش دادن به ناله های خانم خانه دار) دریافتیم مدیریت خانه اصلا کار ساده ای نیست و نظریه «خودش خود به خود انجام می شه» آن قدرها هم پایه علمی ندارد! حالا ببینیم چطور با تلاش های قهرمانانه ما، خانم خانه دار می تواند مدیریت بهتری داشته باشد:

روی قسمت های چندش آور تمرکز کنیم



میوه و آجیل شب یلدا در مشهد ۴۰ درصد گران تر از پارسال

یلدای بی چلغوز!

آمده یلدا ولی در ظرف من آجیل نیست دانه ای چلغوز هم در کاسه استیل نیست

آمده یلدا ولی در خانه، در یخچال من هندوانه هیچ! حتی هسته ارگیل نیست!

در شب چله من از بازار برمی گردم و تخمه هم حتی میان کیسه و زنبیل نیست

کوانار سرخ؟ آن صد دانه یاقوت قدیم کو اثر از کیک؟ حتی ذره ای وانیل نیست!

آن شب یلدا که گویند اهل خلوت امشب است بس که اینجا خلوت است و ردی از فامیل نیست

آری، از الطاف بی حد مدیران عزیز روی میز ما به غیر از چیپس یا پاستیل نیست

صبح تا شب کلشان مشغول کارند و تلاش گرچه در دست نشان هرگز کلنگ و بیل نیست!

چون که تعجیل از صفات بارز شیطان بود قدر یک ثانیه هم در کارشان تعجیل نیست

قدر دانیم از تلاش و جهدشان در هر کجا چون که یک ذره گرانی هم به ما تحمیل نیست

شکر حق امروز چون دیروز و روز قبل از آن باز هم با یک بهانه هر کجا تعطیل نیست

آمده یلدا نوید فصل سرما می دهد تا بگوید پیش رو جز برف و جز قندیل نیست

صاحب منصب پرست اما ز ما آگاه نیست چون فشار گاز او رسمش به جز تقلیل نیست

اینکه می لرزد به خود باشد لسان العیب شوخ آدم است او هم عزیزم، کرگدن یا فیل نیست

نه پری دارد نه پشمی بر تن و اندام خود دائما می لرزد، آخر مرغ یا گوریل نیست!

مشکلی دارم ز قالبیاف مجلس باز پرس آن وزیر بی تحرک قابل تبدیل نیست؟



الهی!
در آستانه شب یلدا، آرزوی کنیم دست کوتاه ما به بلندای افزایش قیمت ۸۵ درصدی آجیل برسد.

پلخمون

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمیشم موسوی مهر
سردبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمیمه: ارژنگ حاتمی
دبیر پلخمون: مجتبی نخعی راد
صفحه آرایی: ملک جمعی

پیماک: ۳۰۰۷۲۸۹
دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir